

اهداف علم دینی و برخی لوازم عملیاتی ساختن آن

«علم خدا باور»، «علم دینی»، «علوم انسانی اسلامی»، «اسلامی سازی علوم»، «تدوین علوم انسانی بر اساس آموزه‌های وحیانی» و... عناوینی هستند که در دهه‌های گذشته، در سطوح مختلف جامعه علمی مطرح شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی کنونی) بحث اسلامی سازی دانشگاه‌ها، و به تبع آن، بازنگری در متون درسی علوم انسانی و تدوین علوم انسانی بر مبنای اسلامی را در دستور کار خود قرار داد. در راستای تحقق این هدف، سازمان سمت و مراکز آموزشی و پژوهشی چندی از جمله دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه کنونی) شکل گرفتند. اسلامی سازی علوم انسانی، همچون دیگر آرمانهای انقلابی، بحثهای نظری مختلفی را در ارتباط با ضرورت، امکان و چگونگی تحقق آن در جمع متفکران و اندیشمندان به وجود آورد و عقاید طرح شده در این زمینه به چالش کشیده شد و «معقولیت ایده علم دینی» را به پرسشی در خور توجه تبدیل کرد.

از آنجا که انسانها اعمال اختیاری و ارادی خود را در راستای رسیدن به هدفی انجام می‌دهند، یکی از راه‌های ارزیابی عقلانیت رفتار آدمی، ارزیابی معقولیت هدف و بررسی تناسب میان فعالیتهای انجام شده و هدف مورد نظر است. به این منظور برای ارزیابی عقلانیت ایده تدوین علوم انسانی و اجتماعی اسلامی، که امروزه توسط اندیشمندانی در جهان اسلام طرح شده و دنبال می‌شود، باید به بررسی اهداف مورد نظر و سنجش تناسب میان اقدامات انجام شده و اهداف مورد نظر پرداخت.

زمانی می‌توان از عقلانیت ایده تدوین علوم انسانی و اجتماعی اسلامی دفاع کرد که طراحان و دنبال‌روان این ایده به وجود نقصانی در علوم انسانی و اجتماعی موجود پی برده باشند (البته درک این نقصان می‌تواند مطابق با واقع باشد یا نباشد که این مطلب نیز تحقیق

دیگری را طلب می‌کند) و بر مبنای این درک، به شکلی روشمند درصدد تولید علوم جدید برآمده باشند تا آن نواقص را برطرف سازد. به تعبیر دیگر چنانچه هیچ نقصی در علوم موجود احساس نشود، هرگونه تلاش برای گذر از وضع موجود، بی‌معنا و نامعقول قلمداد خواهد شد. بر این اساس، در اولین گام جهت سنجش عقلانیت طرح علم دینی، باید به بررسی و سنجش اهداف مورد نظر در این طرح پرداخت، قابل دفاع‌ترین هدف را در این میان شناسائی کرد، و در پی آن، قابل دفاع‌ترین راه‌ها و گام‌ها را برای نیل به مقصود تعیین کرد.

با مروری بر دیدگاه‌های موجود در زمینه علم دینی که توسط متفکرین اسلامی ارائه شده، می‌توان سه انگیزه و هدف مختلف را برای پیگیری این طرح شناسایی کرد. به تعبیر دیگر، متفکران و اندیشمندان دینی نقصان موجود در علوم جدید را در سه زمینه مختلف شناسائی کرده‌اند و می‌کوشند با تدوین علوم مبتنی بر آموزه‌های دینی، تلاشی جهت رفع این نواقص انجام دهند. سه نقص ادعا شده برای علوم جدید عبارتند از:

۱. ناسازگاری برخی از یافته‌ها و مبانی علم جدید با آموزه‌های دینی؛

۲. ضعف و نقصان مبانی نظری علوم جدید؛

۳. ناکارآمدی نظریه‌های موجود در تبیین صحیح مسائل جامعه و ارائه راه حلی جدید برای رفع بهتر مشکلات.

حال اگر به وجه اجتماعی فعالیت علمی هم توجه داشته و بر این باور باشیم که جامعه علمی نقش اساسی در اخذ و طرد نظریه‌ها و ایده‌ها ایفا می‌کند، باید اعتراف کنیم که دو هدف و انگیزه اول کمتر می‌توانند یک انگیزه قوی برای جامعه علمی به شمار آمده و توجه اندیشمندان مختلف را در سطح ملی و جهانی به خود جذب نمایند و مقدمات تدوین علم دینی را فراهم آورند. این مدعا را به گونه‌ای دیگر هم می‌توان بیان کرد:

۱. راه‌های ممکن متعددی برای رفع تعارض یافته‌های انسانی و داده‌های وحیانی وجود

دارد و بسیاری از این راه‌ها پیموده شده است.

۲. علاقه و توان اندکی در میان اساتید و پژوهشگران برای شناسائی مبانی نظری علوم

جدید و مقایسه آن با معارف دینی وجود دارد.

۳. در مقابل، استعداد و علاقه بسیاری برای تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل مشکلات

موجود در سطح فردی و اجتماعی به چشم می‌خورد.

بر این اساس، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی در پیش گرفتن هدف سوم می‌تواند در معقول جلوه دادن تلاشهای انجام شده در زمینه علم دینی مؤثر واقع شده و علاوه بر این از چند مزیت اساسی زیر نیز برخوردار باشد:

۱. در پیش گرفتن این هدف به هیچ وجه نافی اهداف دیگر نیست.
۲. دنبال کردن این هدف می‌تواند زمینه مناسبی برای اجماع جامعه علمی (در سطح ملی، جهان اسلام و عرصه بین‌المللی)، از حیث ادبیات بحث و روش تحقیق فراهم آورد.
۳. در نظر داشتن این هدف، روش تحقیق ما را مشخص خواهد کرد؛ چرا که همواره نسبتی میان هدف و روش نیل به آن وجود دارد.
۴. با دنبال کردن این هدف، تمهیداتی برای نظریه‌پردازی مبتنی بر فرهنگ بومی و معارف دینی فراهم می‌آید.

از آنجا که ممکن است تأکید شدید بر عنصر کارآمدی نظریه‌های علمی، ناشی از تلقی ابزارانگاران و پراگماتیسمی قلمداد گردد، ذکر این نکته شایسته است که چنین تأکیدی می‌تواند به طور کامل مبتنی بر نگرش واقع‌گرایانه باشد، با این توضیح که هر نظریه، به میزان بهره‌ای که از حقیقت دارد، در مقام عمل نیز کارآمدی خواهد داشت.

از سوی دیگر، همانطور که پیش از این نیز گفته شد، اتخاذ این هدف الزامات روش‌شناختی ویژه‌ای را به همراه خواهد داشت. برای مثال اخذ این هدف اساتید و محققان علوم انسانی و اجتماعی را وامی‌دارد تا:

۱. به عرصه مسائل و مشکلات عینی جامعه وارد شوند و حل این مسائل و مشکلات را مورد نظر قرار دهند. این توصیه که تمهیدی بسیار اساسی برای تولید نظریه‌ها و مدل‌های جدید علمی است، با مروری بر تاریخ علم قابل تأیید است. توضیح آنکه تاریخ علم نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق نظریه‌پردازی‌های علمی توسط اندیشمندانی انجام شده است که درگیر حل مسائل عینی جامعه در عرصه‌های مختلف روانی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی و... بوده‌اند.

۲. به شیوه‌ای صحیح از ادبیات حوزه مربوطه برای تفهیم صحیح دیدگاه خود به جامعه علمی مدد جویند و از به کارگیری احکام جزمی که تنها در یک چارچوب ارزشی خاص قابل دفاع است، پرهیز کنند.

۳. چنانچه با اعمال اصلاحات جزئی، برخی از نواقص نظریه علمی موجود برطرف

می شود، از انجام این اصلاحات خودداری نکرده و حداکثر استفاده را از دستاوردهای دیگر اندیشمندان داشته باشند.

۴. از روش علمی مورد توافق جامعه علمی برای اثبات ضعف ساختاری نظریه کنونی (برای مثال وجود ناسازگاری درونی یا ابهام در مفاهیم اصلی نظریه)، کارآمدی ضعیف نظریه و مدل موجود، ضرورت ارائه نظریه و مدل جدید و کارآمدی بیشتر نظریه یا مدل پیشنهادی خود بهره جویند.

بر این اساس، تصور می شود که باید علم را به سان فرایند حل مسئله، مطابق با قواعدی که در جامعه علمی در سطح جهانی پذیرفته شده است، قلمداد کرد. مروری بر تاریخ علم و مباحث جامعه‌شناسی علم این نکته را برای ما روشن می سازد که بدون ارتباط گسترده با جامعه علمی در سطح بین‌المللی و آشنایی با قواعد جاری در این جامعه و انجام تمرینهای لازم در این زمینه نمی‌توان وارد عرصه جهانی علم شد، ایده‌های مبتنی بر معارف دینی را طرح کرد و از جامعه علمی انتظار پذیرش آنها را داشت.

آمار مقالات منتشره در مجلات ISI نشان می دهد که در سالهای اخیر آمار مقالات ایرانی در حوزه‌های علوم طبیعی از رشد بسیار خوبی برخوردار بوده است، ولی در حوزه دین، علوم اجتماعی و هنر، رشد چندانی را شاهد نبوده‌ایم. در حال حاضر مقالات منتشر شده در مجلات معتبر بین‌المللی در علوم پایه (۴۲٪)، در علوم اجتماعی (۱۳٪) و در علوم انسانی و هنر (۵۰۸٪) مقدار جهانی است. در این میان تحقیق انجام شده توسط کارشناسان دفتر همکاریهای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نشان می دهد، عدم مشروعیت ادبیات گفتمانی و روشهای تحقیق مورد استفاده اساتید و پژوهشگران ما دلیل عمده عدم پذیرش مقالات نگاشته شده با نگرش دینی در موضوعات علوم انسانی و اجتماعی بوده است. این در حالی است که مجلات علوم انسانی چندی در جمع مجلات معتبر بین‌المللی وجود دارد که به مباحث انسانی و اجتماعی از زاویه‌ای دینی و حتی اسلامی می‌پردازند و چنانچه اساتید و پژوهشگران دینی ما بیاموزند که پژوهشهای خود را در قالب ادبیاتی مورد پذیرش جامعه علمی نگاشته و از روشهای رایج پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی به درستی استفاده کنند، توفیق نشر دیدگاه‌های خود را در عرصه جهانی خواهند یافت.

از سوی دیگر، چنانچه ایده اسلامی سازی دانشگاه‌ها هنوز هم برای مسئولان عالی‌رتبه نظام اهمیت اساسی داشته باشد، باید شاهد تغییراتی در عرصه سیاست‌گذاری علمی کشور

باشیم. دانشگاه‌های ما اسلامی نمی‌شوند، مگر آنکه علومی که در آنها تدریس می‌شود، مبتنی بر اسلام یا دست کم همسوی با آن بوده و مدلهای بومی و اسلامی برای مدیریت دانش در کشور به کار گرفته شود. مدلهای و نظریه‌های علمی نیز زمانی همسوئی کافی با اسلام خواهند یافت که نظام علمی کشور بر مبنای فرهنگ اسلامی مهندسی شود. این امر نیز محقق نخواهد شد، مگر آنکه پژوهش‌موتور محرکه آموزش و برنامه‌ریزی در کشور قرار گیرد. این در حالی است که نگاه غالب در نظام علمی کشور، آموزش محور بوده، به پژوهش (به خصوص پژوهش در حوزه علوم انسانی) توجه کمتری می‌شود و پژوهش در عرصه علوم انسانی و اجتماعی با نگاه دینی هم کاملاً مورد غفلت واقع شده است.

در پایان، امید است سیاست جدید فصلنامه حوزه و دانشگاه در تولی بحث روش‌شناسی و فلسفه علوم انسانی و علم دینی، به معرفی هر چه بیشتر این قبیل مباحث در جامعه علمی کشور بیانجامد و زمینه‌های بهره‌گیری از آن را برای تولید علوم انسانی و اجتماعی مبتنی بر فرهنگ اسلامی فراهم آورد و اساتید و پژوهشگران ما توفیق یابند با بهره‌گیری روشمند از «تفکر انتقادی»، «خلاقیت» و «کار گروهی» که از لوازم تولید علم است، گامی در جهت تعالی هر چه بیشتر نظام جمهوری اسلامی ایران بردارند.

سردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی